

سرمایه فکری و مروری جامع بر پژوهش‌های آن در ایران

مهدی مران جوری^۱

جهانگیر رضوانی^۲

چکیده

موفقیت هر سازمان در دنیای امروز به شناسایی، اندازه‌گیری، مدیریت و کنترل صحیح دارایی‌ها بستگی دارد. امروزه رشد و اهمیت سرمایه‌های فکری به عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت مزیت رقابتی سازمان‌ها به طور وسیعی مشاهده شده است. در عصر فرا رقابتی، سازمان‌ها با محیطی روبه‌رو هستند که دارای پیچیدگی‌های بسیاری می‌باشد. لذا سازمان‌ها برای بقا و پیشرفت خود با چالش‌های جدیدی مواجه خواهند شد که برای بیرون رفتن از این چالش‌ها باید به توسعه و تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های درونی توجه بیش‌تری کنند و این کار جز از راه مبانی دانش سازمانی و سرمایه فکری حاصل نمی‌شود. با توجه به اهمیت بسیار زیاد سرمایه فکری در ایجاد و افزایش ارزش سازمان‌ها و همچنین دارا بودن مزیت‌های رقابتی برای سازمان‌ها، در این مقاله به مفاهیم و تعاریف سرمایه فکری، عناصر تشکیل دهنده و اهداف اندازه‌گیری سرمایه فکری پرداخته شد و برای ارائه دید وسیع‌تری از مفهوم سرمایه فکری، بیش از ۵۰ مقاله در این حوزه مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: سرمایه فکری، سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، سرمایه رابطه‌ای.

^۱ . عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس

رایانامه: Mr.Maranjory@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد حسابداری

رایانامه: Jahangir.Rezvani@gmail.com

۱. مقدمه

صاحب نظران معتقدند دهه ۸۰، دهه جنبش کیفیت و دهه ۹۰، دهه مهندسی مجدد (بهبود فرآیند کسب و کار و کاهش هزینه‌ها) بوده و دهه کنونی، دهه مدیریت دانش است. با وقوع انقلاب تکنولوژی و فناوری اطلاعات، از سال‌های بعد از ۱۹۹۰، الگوی اقتصاد جهانی، تغییر اساسی کرد. در اقتصاد امروز، دانش به عنوان مهم‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه مادی و فیزیکی شده است (قلیچ لی و مشبکی، ۱۳۸۵). در اقتصاد مبتنی بر دانش، تغییراتی به علل متفاوت، از جمله جهانی شدن، رقابت بین‌المللی و چند ملیتی، مشتریان آگاه، رقبا و عرضه‌کنندگان توانمند پدید آمده است (پابلوس، ۲۰۰۳). بیش‌تر دارایی‌های شناخته شده ماهیت مشهود و عینی دارند. بنابراین، سرمایه مشهود به دارایی‌های فیزیکی و مالی سازمان اشاره دارد. در اقتصاد کنونی مزیت رقابتی شرکت‌ها بر پایه دارایی‌های نامشهود است (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸). در جهان دانش محور کنونی قابلیت‌های سازمانی براساس دانش و سرمایه فکری می باشد و مدیران باید درک کنند که چه قابلیت‌هایی برای حفظ مزیت رقابتی لازم است. یکی از چالش‌های اساسی مدیران، به کارگیری دانش و سرمایه فکری شرکت برای ایجاد ارزش است و از این جهت، مدیران باید وظایفی را طراحی کنند که بتوانند از سرمایه فکری برای ایجاد ارزش استفاده نمایند. شناسایی و تعیین ارزش این دارایی‌ها بسیار مشکل بوده و از گذشته تا امروز ادامه داشته و درست به همین خاطر است که در بیش‌تر شرکت‌ها اصلاً گزارش نمی شوند. با وجود اهمیت بسیار زیاد سرمایه فکری در ایجاد و افزایش ارزش سازمان‌ها و همچنین دارا بودن مزیت‌های رقابتی برای سازمان‌ها شناخت کمی از چگونگی شناسایی و مدیریت آن وجود دارد.

۲. مفاهیم و تعاریف سرمایه فکری

قبل از شناسایی، اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه فکری نیازمندیم که مفهوم آن را به طور صحیح درک نماییم. جان گالبریت (۱۹۶۹) اولین کسی بود که از اصطلاح سرمایه فکری استفاده کرد. در اواسط ۱۹۸۰ حرکت از عصر صنعت به عصر اطلاعات آغاز شد و شکاف عمیقی بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌ها به وجود آمد و در اواخر دهه ۱۹۸۰ اولین تلاش‌ها برای تدوین روش‌هایی که سرمایه فکری را اندازه‌گیری کنند؛ صورت گرفت. در اوایل دهه ۲۰۰۰، اولین مجله معتبر با محوریت سرمایه‌های فکری و اولین استانداردهای حسابداری سرمایه فکری توسط دولت دانمارک منتشر گردید (همتی و همکاران، ۱۳۹۰). بسیاری تمایل دارند از اصطلاحاتی مانند دارایی‌ها، منابع یا محرک‌های عملکرد به جای کلمه سرمایه استفاده کنند و آن‌ها واژه فکری را با کلماتی مانند نامشهود، غیر مالی و یا بر مبنای دانش جایگزین می‌کنند. بعضی از حرفه‌ها (حسابداری مالی و حرفه‌های قانونی) نیز تعاریف کاملاً متفاوتی مانند دارایی‌های ثابت غیرمالی که موجودیت عینی و فیزیکی ندارند ارائه کرده‌اند (مر، ۲۰۰۸).

از آغاز پژوهش درباره سرمایه فکری تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. اگر چه این تعاریف با یکدیگر متفاوت هستند؛ هیچ کدام دیگری را نقض نمی کنند؛ چرا که بیش تر این تعاریف ویژگی های یکسانی را بیان می کنند؛ این تعاریف شامل:

سرمایه فکری، دارایی است که توانایی سازمان را برای ایجاد ثروت اندازه می گیرد. این دارایی ماهیت عینی و فیزیکی ندارد و یک دارایی نامشهود است که از طریق به کارگیری دارایی های مرتبط با منابع انسانی، عملکرد سازمانی و روابط خارج از سازمان به دست آمده است. همه این ویژگی ها ارزش درون سازمانی را ایجاد کرد. و این ارزش به دست آمده به دلیل این که یک پدیده کاملاً داخلی است، قابلیت خرید و فروش ندارد. کلین و پروساک (۱۹۹۴) بیان می کنند که سرمایه فکری یک ماده فکری است که جمع آوری و شکل بندی شده و برای تولید یک دارایی با ارزش تر مورد استفاده قرار می گیرد. بروکینگ (۱۹۹۶) سرمایه فکری را به دارایی های ناملموس جمعی نسبت داده که سازمان را برای ایجاد ارزش قادر می سازد. ادوینسون و مالون (۱۹۹۷) معتقدند که سرمایه فکری عبارت است از داشتن دانش، به کارگیری تجربه، تکنولوژی سازمانی، ارتباط با مشتری و عرضه کننده و نیز توانایی های حرفه ای که یک مزیت رقابتی در بازار را از آن شرکت می کند. استوارت (۱۹۹۷) می گوید، سرمایه فکری مجموعه ای از دانش، اطلاعات، دارایی های فکری، تجربه، رقابت و یادگیری سازمانی است که می تواند برای ایجاد ثروت به کار گرفته شود. بونتیس (۱۹۹۸) معتقد است سرمایه فکری مجموعه ای از دارایی های نامشهود (منابع، توانایی ها، رقابت) است که از عملکرد سازمانی و ایجاد ارزش به دست می آید. پابلوس (۲۰۰۴) می گوید سرمایه فکری شامل تمامی منابع دانش محوری است که برای سازمان، ارزش تولید می کنند ولی در صورت های مالی وارد نمی شوند.

۳-۱. اجزای تشکیل دهنده سرمایه فکری

اکثر پژوهشگران و صاحب نظران حوزه سرمایه فکری به تعریف سرمایه فکری بر حسب اجزای تشکیل دهنده آن اجتماع نظر دارند (بارت، ۲۰۰۱). بیش تر، سرمایه فکری را متشکل از سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه ای می دانند و معتقدند که تعامل میان این اجزا به مزیت رقابتی سازمان ها منجر می گردد (انگستروم، ۲۰۰۳).

۳-۱-۱. سرمایه انسانی

«سرمایه انسانی» مهم ترین دارایی سازمان و منبع خلاقیت و نوآوری است. سرمایه انسانی یک جزء اصلی و اولیه برای اجزای فعالیت های سرمایه فکری به حساب می آید. سرمایه انسانی شامل دانش، مهارت، تجربه و دانایی افراد است (بتی، ۲۰۱۰). در نتیجه این عوامل، کارکنان به عملکردی ترغیب می شوند که مشتریان مایلند بابت آن پول بپردازند و سود شرکت از آن راه به دست می آید (زاهدی و لطفی زاده، ۱۳۸۶). سرمایه انسانی حاصل جمع دانش حرفه ای کارکنان، توانایی رهبری، ریسک پذیری و توانایی های حل مسئله است (بزبارو، ۲۰۰۴). سرمایه انسانی شامل ذخیره دانش اعضای یک سازمان است

که شامل شایستگی‌ها و طرز فکر کارکنان است (بنتیس و همکاران، ۲۰۰۰) و سرمایه ساختاری و رابطه‌ای تابعی از سرمایه انسانی هستند. در واقع بدون سرمایه انسانی امکان رشد و توسعه آن‌ها محدود است (چن و ژو، ۲۰۰۴). منابع انسانی می‌توانند به منزله روح و فکر منابع سرمایه فکری باشند. این سرمایه در پایان روز کاری با ترک سازمان از سوی کارکنان از شرکت خارج می‌شود؛ اما سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای حتی با ترک کارکنان از سازمان هم بدون تغییر باقی می‌ماند (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸).

۲-۳. سرمایه ساختاری

«سرمایه ساختاری» به عنوان سخت افزار، نرم افزار، پایگاه داده‌ها، ساختار سازمانی، حقوق انحصاری سازمان، علوم تجاری و تمام توانایی‌های سازمان که حامی بهره‌وری کارکنان است، می‌باشد (ادوینسون و مالون، ۱۹۹۱). سرمایه ساختاری شامل تمام انباشته‌های غیر انسانی دانش در یک سازمان است (انگستروم و وستنس، ۲۰۰۳). در تعریف دیگر، سرمایه ساختاری عبارت است از ساختارهای توانایی که به سازمان اجازه بهره‌برداری و استفاده از سرمایه فکری را می‌دهد. این عوامل از دارایی‌های کاملاً نامشهود تا دارایی‌های مشهودتر طبقه بندی می‌شوند. در این طیف، دارایی‌های کاملاً نامشهود مانند فرهنگ و جو سازمانی و دارایی‌های مشهودتر مانند حق کپی رایت، علائم تجاری حقوق انحصاری، پایگاه داده‌های داخلی، سیستم‌های کامپیوتری و شبکه اینترنت سازمان هستند که تمامی این عوامل در جهت مدیریت دانش می‌باشند (سیتارامن و همکاران، ۲۰۰۴). سرمایه ساختاری همه چیزی است که شب هنگام زمانی که افراد به خانه‌های خود می‌روند در سازمان باقی می‌ماند و از فرآیندها و رویه‌های سازمانی بر می‌خیزد (روس و روس، ۱۹۹۷). سرمایه ساختاری دامنه گسترده‌ای از عناصر ضروری را پوشش می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها معمولاً شامل فرآیندهای مهم اجرایی سازمان، چگونگی ساختار بندی آن‌ها، سیاست‌ها، جریان‌های اطلاعاتی و عناصر پایگاه داده‌ها، رهبری و سبک مدیریت آن، فرهنگ سازمان و طرح‌های پاداش کارکنان می‌باشد.

۳-۳. سرمایه رابطه‌ای

«سرمایه رابطه‌ای» به عنوان یک پل و سازمان دهنده عملیات فکری تلقی می‌شود و یک عامل تعیین کننده در تبدیل سرمایه فکری به ارزش بازار است. این سرمایه شامل استحکام و وفاداری مناسبات و روابط مشتری است (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۸۸). سرمایه رابطه‌ای عبارت است از دانش گرفته شده در کانال‌های بازاریابی و روابط مشتریان یک سازمان (بنتیس و همکاران، ۲۰۰۰). پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه میشیگان نشان داده است که رضایت مشتریان می‌تواند ارتباطات تجارت را حفظ کند و نوسان‌پذیری قیمت محصول را کم کرده و پرستیژ شرکت را بهبود بخشد (چن و ژو، ۲۰۰۴). سرمایه رابطه‌ای ارزش ارتباطاتی است که سازمان با گروه‌های مختلف در محیط بیرون برقرار می‌کند (کسترو، ۲۰۰۴). این بعد سرمایه فکری، معرف سرمایه ارتباطات است. سرمایه ارتباطات مجموع کل دارایی‌هایی است که روابط شرکت را با محیط اطرافش مدیریت کرده و نظم می‌دهد. سرمایه رابطه‌ای شامل روابط با مشتریان، سهامداران، عرضه‌کنندگان، رقبا، دولت و مؤسسات دولتی جامع است (زاهدی و لطفی زاده، ۱۳۸۶).

۴. دلایل و اهداف اندازه‌گیری سرمایه فکری

به عقیده بسیاری از نظریه‌پردازان در حوزه سرمایه فکری، هنگامی که سازمان نتواند موضوعی را مورد سنجش قرار دهد، به ناچار از مدیریت آن نیز عاجز خواهد بود (خاوندکار و همکاران، ۱۳۸۸). موفقیت در دنیای پیچیده، با رقابت روزافزون، تنها با برخورداری از دارایی‌های دانشی میسر نیست، بلکه شناسایی این دارایی‌ها نیز امری ضروری است؛ اما مهم‌ترین و اثر بخش‌ترین کار این است که شرکت‌ها علاوه بر شناسایی این دارایی‌ها، آن‌ها را به خوبی مدیریت کنند. جهت مدیریت این دارایی‌ها است که سازمان‌ها از وضعیت کنونی آن‌ها مطلع شده و جهت رفع نقص و کمبودهای آن‌ها، اقدامات لازم را به عمل آورند. برای آگاهی از وضع کنونی دارایی‌های دانشی در سازمان، باید آن‌ها را اندازه‌گیری کرد (زاهدی و لطفی زاده، ۱۳۸۶). اندرسین (۲۰۰۲) نیز اعتلای مدیریت داخلی، بهبود گزارشگری خارجی و انگیزه‌های قانونی و معاملاتی را از جمله دلایل اندازه‌گیری سرمایه فکری بر می‌شمرد (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۸۸). نتیجه بررسی بیش از ۷۰۰ مقاله در زمینه اندازه‌گیری سرمایه فکری، این که پنج هدف کلی برای اندازه‌گیری سرمایه فکری وجود دارد:

۱. برای کمک به سازمان‌ها در جهت فرموله کردن استراتژی‌هایشان؛
۲. برای ارزیابی نحوه اجرای استراتژی‌ها؛
۳. کمک به گسترش و تنوع تصمیم‌گیری‌های شرکت؛
۴. ارزیابی‌های غیرمالی سرمایه فکری می‌تواند به طرح‌های بازپرداخت و پاداش‌های مدیران ارتباط داده شود؛
۵. جهت ایجاد رابطه با سهامداران خارج از شرکت که سرمایه فکری را در اختیار دارند (مر و همکاران، ۲۰۰۳).

سه هدف از این مجموعه به تصمیم‌گیری‌های داخلی مربوط می‌شوند و هدف آن‌ها حداکثر کردن عملکرد عملیات شرکت‌ها، برای ایجاد درآمد از طریق حداقل هزینه و بهبود روابط، مشتریان و تأمین کنندگان و سهم بازار است. هدف چهارم به ایجاد انگیزه‌های اجرایی مربوط می‌شود و هدف پنجم به ایجاد انگیزه برای سهامداران خارج از سازمان اشاره می‌کند (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸).

۵. پژوهش‌های مرتبط با سرمایه فکری در ایران

نیکومرام و یاری (۱۳۸۷) با بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با بازده سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ دریافتند بین سرمایه فکری با بازده سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده اقتصادی در کلیه شرکت‌های مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود دارد و سرمایه فکری بر روی این شاخص‌ها تأثیرگذار بوده است. ستایش و کاظم‌نژاد (۱۳۸۸) در پژوهشی با بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ بیان نمودند که سرمایه فکری به‌طور مثبت و معناداری، نرخ بازده دارایی‌ها و نسبت گردش دارایی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ولی این تأثیر بر نسبت ارزش بازار به ارزش

دفتري معنادار نيست. همچنين سرمايه فكري تأثير مثبت و معناداري بر عملکرد آتي شركت دارد. به علاوه، رابطه معنادار بين رشد سرمايه فكري و عملکرد سال آينده شركت مورد تأييد قرار گرفت. متفاوت بودن تأثير سرمايه فكري بر عملکرد شركت‌هاي موجود در صنايع مختلف نيز از نتايج پژوهش حاضر به شمار مي‌رود كه اين تفاوت ناشي از تأثير متفاوت سرمايه فكري بر نرخ بازده دارايي‌ها و نسبت گردش دارايي‌هاست. رهنماي رودپشتي و همتي (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان "سنجش ارتباط بين سرمايه فكري با متغيرهاي نوين سنجش عملکرد مبتني بر ارزش آفريني" نشان دادند بين مقياس سرمايه فكري و ارزش افزوده بازار رابطه معناداري وجود دارد؛ ولي براساس نتايج متفاوت مدل‌هاي مقياس سرمايه فكري نمي‌توان در خصوص رابطه بين سرمايه فكري با ارزش افزوده اقتصادي و ارزش افزوده سهامدار به نتيجه واحد دست يافت. عباسي و گلدي صدقي (۱۳۸۹) در پژوهشي به بررسي تأثير كارايي عناصر سرمايه فكري بر عملکرد مالي شركت‌ها در بورس تهران براي ۹۹ شركت طی سال‌هاي ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ پرداختند. نتايج نشان داد ضريب كارايي هر يك از عناصر سرمايه فكري بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام تأثير مثبت و معناداري دارد، تأثير ضريب كارايي سرمايه‌هاي فزيكي و ساختاري بر نرخ بازده سالانه مثبت، اما تأثير ضريب كارايي سرمايه انساني بر آن منفي و معنادار بود. همچنين نتايج نشان داد شركت‌هايي كه سرمايه فكري بالاتري دارند، داراي عملکرد مالي بهتري هستند. مجتهدزاده و همكاران (۱۳۸۹) در پژوهشي با عنوان "رابطه سرمايه فكري (انساني، مشتري و ساختاري) و عملکرد صنعت ييمه (از ديدگاه مديران)" نشان دادند كه سرمايه‌هاي فكري، انساني، مشتري (رابطه‌اي) و ساختاري در بررسي جداگانه مستقل از يكدیگر، با عملکرد رابطه معنادار دارند؛ در حالي كه در بررسي همزمان صرفاً رابطه سرمايه ساختاري و انساني با عملکرد معنادار است. رضايي و همكاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان "سرمايه فكري و عملکرد مبتني بر ارزش و سرمايه فكري" دريافتند كه بين سنجه‌هاي اندازه‌گيري عملکرد مبتني بر ارزش و سرمايه فكري در كليشه شركت‌هاي مورد مطالعه ارتباط معناداري وجود دارد. البته مدل ارزش افزوده اقتصادي نسبت به بقيه مدل‌ها جهت برآزش سرمايه فكري براساس آزمون آكائيك مناسب مي‌باشد. همچنين اين ارتباط در كليشه صنايع مورد مطالعه قرار گرفت و به جز در برخي از صنايع در ساير صنايع به تايد رسیده است. نيكومرام و اسحقى (۱۳۸۹) در پژوهش خود با بررسي رابطه بين تأثير سرمايه فكري بر عملکرد شركت‌هاي ارزشي و رشدی پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران براي ۶۴ شركت طی سال‌هاي ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ به اين نتيجه دست يافتند كه بين سرمايه فكري و بازده سرمايه‌گذاري شركت‌هاي رشدی رابطه معناداري وجود ندارد. همچنين نتايج نشان داد كه رابطه مثبت و معناداري بين سرمايه فكري و بازده سرمايه‌گذاري شركت‌هاي ارزشي وجود دارد. از طرف ديگر، بين تأثير سرمايه فكري بر بازده سرمايه‌گذاري و حقوق صاحبان سهام شركت‌هاي ارزشي تفاوت معناداري مشاهده نشد. همتي و همكاران (۱۳۸۹) در پژوهشي با عنوان "بررسي ارتباط بين سرمايه فكري و ارزش بازار و عملکرد مالي شركت‌هاي غيرمالي" پس از بررسي ۶۰ شركت در بازه زماني ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ بيان كردند كه بين سرمايه فكري و

ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های غیرمالی ارتباط معناداری وجود دارد. عارف‌منش و زارع (۱۳۹۰) در پژوهشی به اندازه‌گیری سرمایه فکری و بررسی ارتباط آن با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند، براساس یافته‌های این پژوهش، کارایی سرمایه فیزیکی با دو معیار ارزیابی عملکرد یعنی سودآوری و ارزش بازار رابطه منفی و معنادار و با معیار بهره‌وری رابطه مثبت و معنادار دارد. کارایی سرمایه انسانی با دو معیار سودآوری و ارزش بازار رابطه مثبت و معنادار و با معیار بهره‌وری رابطه منفی و معنادار دارد و بین کارایی سرمایه ساختاری با هیچ‌کدام از معیارهای ارزیابی عملکرد رابطه معناداری وجود ندارد. مرادزاده‌فر و عدیلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان " بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی ۹۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ پرداختند. نتایج حاکی از آن بودند که بین سطح سرمایه‌گذاران نهادی و عملکرد سرمایه فکری رابطه مستقیم وجود دارد؛ اما بین تمرکز سرمایه‌گذاران نهادی و عملکرد سرمایه فکری رابطه معناداری مشاهده نشد. نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی تجربی نقش اجزای سرمایه فکری در ارزیابی عملیات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به همین منظور ۱۰۰ شرکت را طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ مورد آزمون قرار دادند؛ نتایج نشان داد که بین سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزون بر این، میان کارایی سرمایه به کار گرفته شده و کارایی سرمایه انسانی با سود هر سهم نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه میان کارایی سرمایه ساختاری با سود هر سهم بی‌معناست. همتی و مهرابی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و بازده مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند؛ نتایج حاکی از آن بود که بین سرمایه فکری و عملکرد مالی و عملکرد آتی شرکت همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین، سهم سرمایه فکری در عملکرد آتی شرکت در صنایع مختلف متفاوت می‌باشد؛ اما نتایج نشان داد بین نرخ رشد سرمایه فکری و عملکرد آتی شرکت ارتباطی وجود ندارد. جلیلی و همتی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "حاکمیت شرکتی و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بیان کردند که بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره و سرمایه ساختاری رابطه معناداری مشاهده گردید. همچنین بین وجود حسابرسی داخلی شرکت و سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری از اجزای سرمایه فکری نیز رابطه معناداری مشاهده گردید. بنی‌مهد و قنبری‌ها (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه بین سرمایه فکری، اندازه شرکت، سودآوری و ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه فکری با شاخص ساختار سرمایه شرکت‌ها (نسبت بدهی)، رابطه‌ای مثبت دارد. همچنین نتایج پژوهش بر وجود رابطه‌ای منفی و معکوس میان شاخص سودآوری شرکت‌ها با شاخص ساختار سرمایه و رابطه‌ای مثبت و مستقیم میان اندازه شرکت با شاخص ساختار سرمایه تاکید دارد. ستایش و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر

کارایی اجزای سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پس از بررسی ۶۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به این نتیجه دست یافتند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی یعنی مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، مالکیت خانوادگی، تمرکز مالکیت، درصد اعضای غیرموظف و یکسانی مدیریت و رئیس هیأت مدیره تأثیری بر کارایی اجزای سرمایه فکری ندارد. همچنین نتایج بررسی در سطح صنایع نشان داد که بین نوع صنعت و کارایی اجزای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود دارد. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه فکری بر ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های صنعت سیمان پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" دریافتند که بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های فعال در صنعت سیمان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در بین عناصر تشکیل دهنده سرمایه فکری، کارایی سرمایه به کار گرفته شده دارای بیشترین تأثیر بر ارزش بازار شرکت‌های فعال در صنعت سیمان می‌باشد. رحمانی و عارف‌منش (۱۳۹۱) در پژوهش خود به اندازه‌گیری سرمایه فکری و رابطه آن با هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. براساس یافته‌ها، ارزش افزوده سرمایه فکری با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین ارزش افزوده سرمایه انسانی رابطه منفی و معنادار با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد؛ اما ارزش افزوده سرمایه فیزیکی به کار گرفته شده و ارزش افزوده سرمایه ساختاری با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری نداشت. حجازی و رشیدی (۱۳۹۱) در پژوهش خود عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که جمع دارایی‌ها و نرخ سود ناخالص بر افشای شاخص‌های سرمایه فکری تأثیر مثبت داشته‌اند؛ ولی سن شرکت و نرخ حقوق صاحبان سهام بر افشای سرمایه فکری بی‌تأثیر هستند. همچنین مشخص شد میزان تأثیر متغیر سود ناخالص از میزان تأثیر متغیر جمع دارایی‌ها بیش‌تر بوده است. دیلمی (۱۳۹۱) تأثیر سرمایه فکری بر حسابداری مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در ۱۰۵ شرکت مورد مطالعه قرار داد، نتایج حاکی از آن بود که سرمایه فکری بر سطح تکامل حسابداری مدیریت شرکت‌های مورد مطالعه تأثیرگذار است، به نحوی که شرکت‌های برخوردار از سرمایه انسانی، فیزیکی و ساختاری بیش‌تر، شانس بالاتری نیز در حرکت به مراحل تکاملی بالاتر حسابداری مدیریت دارند. همچنین از این سه بعد سرمایه فکری، به ترتیب سرمایه انسانی و بعد سرمایه فیزیکی و در نهایت سرمایه ساختاری در دستیابی به مراحل تکامل بالاتر حسابداری مدیریت تأثیرگذار هستند. احمدپور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان "بررسی نقش ساختار هیأت مدیره بر سرمایه فکری شرکت‌ها با رویکرد فازی، مطالعه موردی شرکت‌های داروسازی بورس اوراق بهادار تهران" به این نتیجه دست یافتند که تعداد اعضای هیأت مدیره بر سرمایه فکری شرکت‌ها اثر مثبت داشته در حالی که دو متغیر درصد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره و درصد مالکیت هیأت مدیره بر سرمایه فکری رابطه معناداری نداشته است. دارابی (۱۳۹۱) تأثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی ۱۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را

طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار داد؛ نتایج نشان داد که از اجزای سرمایه فکری، تأثیر دو جزء سرمایه ارتباطی و سرمایه انسانی بر متغیر وابسته کیفیت گزارشگری مالی مثبت و معنادار و تأثیر سرمایه ساختاری بر کیفیت گزارشگری مالی نسبت به دو عامل دیگر به مراتب قوی‌تر بوده است. همچنین تفکیک داده‌ها به تفکیک صنعت حاکی از آن است که تأثیر مثبت دو عامل کارایی ایجاد ارزش (توانایی فکری) و کارایی سرمایه انسانی در تمام صنایع تقریباً مشابه و مثبت بوده است؛ اما تأثیر کارایی سرمایه به کار گرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری بر کیفیت گزارشگری مالی در صنایع مختلف، متفاوت است. ستایش و کاشانی‌پور (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان "تأثیر اجزای سرمایه فکری در تعیین عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پس از بررسی ۵۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ دریافتند که در بین متغیرهای سرمایه فکری، دو متغیر نسبت مخارج تحقیق و توسعه و تعداد سال‌های پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران دارای اثرات منفی و بقیه متغیرها دارای اثرات مثبت بر روی بازده حقوق صاحبان سهام می‌باشند. دارابی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر سرمایه فکری بر نسبت کیوتوین شرکت‌های داروسازی را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که دو متغیر مستقل سرمایه ارتباطی و سرمایه ساختاری تأثیر مثبتی بر نسبت کیوتوین و متغیر مستقل سرمایه انسانی بر نسبت کیوتوین تأثیر منفی دارد. ستایش و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین عناصر سرمایه فکری و مدیریت سود در نمونه‌ای متشکل از ۷۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ پرداختند، نتایج نشان داد که بین سرمایه فکری و اجزای آن با مدیریت سود ارتباط معناداری وجود ندارد؛ به این معنا که شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران از طریق افشای سرمایه فکری، سود شرکت را مدیریت نمی‌کنند و از این مزیت رقابتی برای اعمال مدیریت سود استفاده نمی‌کنند. جنانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری با ارزش بازار را مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج حاکی از آن بود که سود باقی‌مانده محاسبه شده به روش حسابداری بهتر از روش ارزش افزوده اقتصادی، ارزش شرکت را تبیین می‌کند. علاوه بر این، مدل‌های تعیین‌کننده ارزش شرکت که متغیرهای سرمایه فکری به آن‌ها افزوده شده است نسبت به مدل‌هایی که این متغیرها را ندارند؛ قدرت تبیین نسبی بالاتری دارند. انواری رستمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "سرمایه فکری، ثروت سهامداران و عملکرد مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران" با بررسی ۸۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ بیان کردند که سرمایه فکری بر هر شش متغیر مورد بررسی، تأثیر مثبت و معناداری داشته‌اند. همچنین سرمایه انسانی نیز با ارزش افزوده اقتصادی، سود هر سهم، بازده دارایی‌ها و بازده سالانه حقوق صاحبان سهام، رابطه مثبت و معناداری دارد اما بین سرمایه انسانی با ارزش افزوده بازار و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود ندارد؛ محمودآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با بررسی آثار سرمایه فکری در بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در ۷۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ پرداختند؛ نتایج حاکی از آن بود که بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری و ضریب کارایی سرمایه

انسانی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد؛ اما رابطه بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری معنادار نیست. اسدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "تأثیر سرمایه فکری روی ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها" بیان نمودند که ضریب ارزش افزوده فکری به عنوان شاخص کارایی سرمایه فکری تأثیر مثبتی روی ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارد. همچنین تأثیر مثبت اجزای ضریب ارزش افزوده فکری شامل کارایی سرمایه به کار گرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری به جز کارایی سرمایه انسانی، بر ارزش افزوده اقتصادی تأیید شد. علوی طبری و تفرشی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری برای ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ دریافتند که بین تعداد مدیران و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود ندارد؛ بین درصد اعضای غیرموظف و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار مثبت وجود دارد؛ بین یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معنادار منفی وجود دارد و بین وجود بخش حسابرسی داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد. دهقان‌هراتی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه سرمایه فکری هیأت مدیره با ارزش و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند؛ نتایج حاکی از آن بود که تعداد متخصصان در هیأت مدیره بر ارزش و عملکرد مالی شرکت‌های دانش محور تأثیرگذار است. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) به مقایسه عملکرد پرتفوی انتخابی براساس مدل‌های حسابداری سرمایه فکری با استفاده از مدل تحلیل شبکه با مدل‌های سنتی و نوین شبکه در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ پرداختند. نتایج نشان داد که طبق هر دو معیار عملکرد ترینر و شارپ، همبستگی بیش تری بین پرتفویهای مشتمل بر مدل پالیکن سرمایه فکری و بازار وجود داشته و انتخاب پرتفوی مبتنی بر آن، نسبت به مدل سنتی و نوین شبکه بازدهی بیش تری را نصیب سرمایه گذار می‌نماید؛ همچنین سایر مدل‌های سرمایه فکری نیز با بازار همبستگی نداشت. دیان‌تی دیلمی و رضانی (۱۳۹۲) تأثیر سرمایه فکری بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با بررسی ۹۴ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد مطالعه قرار دادند؛ نتایج حاکی از آن بود که در میان اجزای سرمایه فکری، سرمایه ساختاری بیش ترین همبستگی و سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی در مراتب بعدی قرار دارند و اجزای سرمایه فکری در مجموع ۵۰٪ تغییرات در کیفیت اطلاعات را تبیین می‌نمایند. یزدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "بررسی عملکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی در پیش‌بینی کارایی سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" دریافتند که الگوی شبکه‌های عصبی مصنوعی از دقت بالایی در پیش‌بینی کارایی سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار برخوردار می‌باشد. مشایخی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی ۶۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که فرصت رشد و عمر

شرکت، رابطه مثبت و معنادار و سودآوری و اهرم مالی، رابطه منفی و معناداری با افزایش سرمایه فکری دارد. همچنین مطالعه اجزای سرمایه فکری، مشخص کرد که بین سودآوری، فرصت رشد و عمر شرکت با افزایش سرمایه انسانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در خصوص افزایش سرمایه مشتری و سرمایه ساختاری نیز، نتایج مبین وجود رابطه مثبت و معناداری بین فرصت رشد و عمر شرکت و رابطه منفی و معناداری بین اهرم مالی و افزایش سرمایه مشتری و سرمایه ساختاری بود. نمازی و قدیریان آرانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه سرمایه فکری و اجزای آن با خطر ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" با بررسی ۸۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ بیان کردند که بین سرمایه فکری و ریسک ورشکستگی شرکت‌ها رابطه معنادار منفی وجود دارد. همچنین اجزای سرمایه فکری در مدل پالیک (شامل کارایی سرمایه به کار گرفته شده، کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه ساختاری) بر ریسک ورشکستگی به گونه‌ای منفی تأثیر گذارند. حیدریور و فولادی (۱۳۹۳) در پژوهش خود تأثیر ساختار مالکیت بر ارزش افزوده سرمایه فکری را مورد بررسی قرار دادند. براساس یافته‌های این پژوهش، ساختار مالکیت مدیریتی رابطه خطی معناداری با ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری ندارد؛ اما مالکیت شرکتی و نهادی با ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری دارند. حسنی و میثاقی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "مطالعه کنش سرمایه فکری در بیان انعطاف‌پذیری مالی" با مطالعه ۱۶۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ بیان کردند که سرمایه فکری تأثیر منفی و معناداری بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها دارد. این بدان معناست که ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری شرکت دارای محتوای اطلاعاتی با بار منفی و به عبارتی، کنش معکوس در بیان انعطاف‌پذیری مالی شرکت است. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای سرمایه فکری بالاتر، انعطاف‌پذیری مالی کم‌تری را تجربه کرده‌اند. نتایج دیگر نشان داد که بین انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌های با سرمایه فکری بالا و شرکت‌های با سرمایه فکری پایین، اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین سرمایه فکری و انعطاف‌پذیری مالی در شرکت‌های با سرمایه فکری بالا، قوی‌تر از شرکت‌های با سرمایه فکری پایین است. دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت در یافتند که بین سرمایه فکری و دو شاخص عملکرد مالی (نسبت قیمت به درآمد و نرخ رشد) ارتباط معناداری وجود دارد. سینایی و رنگباری خینی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با بررسی اثرهای ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری بر قیمت بازار سهام شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ نشان دادند که در دوره مورد بررسی، سود باقی‌مانده محاسبه شده به روش حسابداری بهتر از روش ارزش افزوده اقتصادی، قیمت بازار سهام شرکت را تبیین می‌کند. علاوه بر این، مدل‌های تعیین‌کننده ارزش شرکت که متغیرهای سرمایه فکری به آن‌ها افزوده شده است، قدرت توضیحی نسبی بالاتری دارند. جبارزاده کنگرلویی و بشیری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "مقایسه قدرت توضیحی ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری در تعیین قیمت بازار" با بررسی ۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که بر خلاف اکثر جوامع، به سرمایه‌های مالی و فیزیکی در تعیین ارزش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بهای بیش‌تری داده می‌شود و نقش سرمایه فکری در تعیین ارزش شرکت جایگاه واقعی خود را به‌دست نیاورده است. حسینی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر عملکرد شرکت و مالکیت نهادی بر سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ۷۳ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ پرداختند. نتایج نشان داد که عملکرد شرکت با سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری دارد؛ ولی بین مالکیت نهادی و سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد. همتی و جلیلی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیان کردند که در سال ۸۷، سرمایه خارجی و در سال ۸۸، سرمایه انسانی بیش‌ترین میزان افشا را داشته‌اند و رابطه معناداری بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و نوع صنعت شرکت وجود دارد. یحیی‌زاده‌فر و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" نشان دادند که بازده حقوق صاحبان سهام و بازده کل سهام عادی تنها با یکی از متغیرهای سرمایه فکری یعنی سرمایه ارتباطی، ارتباط مستقیم دارد. همچنین، بازده دارایی‌ها و سود هر سهم با دو متغیر سرمایه فکری یعنی سرمایه ارتباطی و سرمایه انسانی ارتباط مستقیم دارد. به‌علاوه، بازده کل سرمایه‌گذاری، با هر سه متغیر سرمایه فکری یعنی سرمایه ارتباطی، سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری ارتباط مستقیم دارد. تقی‌زاده و پورربی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به ارزیابی تأثیر ساختار سرمایه بر سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین نسبت بدهی کوتاه مدت به جمع دارایی‌ها و سرمایه فکری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی‌ها و سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نیکبخت و اسکندری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه فکری، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و نقدشوندگی سهام" به این نتیجه دست یافتند که سرمایه فکری بر ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده تأثیر معناداری می‌گذارد. همچنین تأثیر سرمایه فکری ساختاری و سرمایه فکری ارتباطی از طریق ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده بر نقدشوندگی سهام، غیرمستقیم است؛ اما سرمایه انسانی از طریق ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده به نقدشوندگی منتقل نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم بر نقدشوندگی تأثیر گذار است. بابایی و جهانگیری (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی تأثیر سرمایه فکری بر معیارهای سودآوری، نقدینگی و رشد در دوره جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ در یافتند که ارتباط معناداری بین سرمایه فکری و معیارهای سودآوری در دوره جاری و دوره‌های آتی وجود دارد؛ در حالی که بین سرمایه فکری و جریان‌های نقدی و رشد در دوره‌های جاری و آتی ارتباط معناداری وجود ندارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان "تبیین رابطه بین نظام راهبری شرکتی و سرمایه فکری از دیدگاه نظریه نمایندگی: رویکرد الگوسازی معادلات

ساختاری " نشان دادند که بین نظام راهبری شرکتی و سرمایه فکری ارتباط معناداری وجود ندارد. سرلک و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به رتبه‌بندی شرکت‌های برتر بورسی از جایگاه سرمایه فکری و مقایسه آن با رتبه‌بندی شاخص‌های بورس پرداختند؛ نتایج حاکی از آن بود که در میان عناصر تشکیل دهنده سرمایه فکری، کارایی سرمایه به کار گرفته شده دارای بیش‌ترین تأثیر بر سود هر سهم شرکت‌های برتر می‌باشد و کارایی سرمایه انسانی تأثیر معناداری بر ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های برتر بورسی ندارد. اولی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی رابطه بین سرمایه فکری و بهره‌وری در شرکت‌های دارویی بیان کردند که رابطه مثبت و معناداری بین ارزش سرمایه فکری و بهره‌وری وجود دارد. رضایی و عباسی (۱۳۹۵) در پژوهشی با بررسی تأثیر سرمایه فکری بر نسبت ارزش افزوده اقتصادی به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده بازار به سود حسابداری دریافتند که تأثیر سرمایه فکری بر نسبت ارزش افزوده بازار به سود حسابداری مثبت و معنادار است، همچنان با توجه مقادیر ضریب تعیین بالاتر شاخص ارزش افزوده اقتصادی به سود حسابداری از توان تبیین بهتری نسبت به شاخص ارزش افزوده بازار به سود حسابداری برخوردار است. چالاکی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان " عدم تقارن اطلاعاتی و سرمایه فکری: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی " نشان دادند که بین سرمایه فکری و هزینه‌های نمایندگی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان " تحلیل هزینه - منفعت افشای سرمایه فکری از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری " دریافتند که از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری، ارائه و افشای اطلاعات سرمایه فکری به موجب افزایش مربوط بودن اطلاعات درون گزارشات مالی برای استفاده‌کنندگان با اهمیت می‌باشد و همچنین نبود سیستم‌های اطلاعاتی برای شناسایی و اندازه‌گیری منابع نامشهود و هزینه بالای توسعه چنین اطلاعاتی، از جمله مهم‌ترین دلایل بازدارنده افشای اطلاعات سرمایه فکری تا به حال بوده و افزایش شفافیت شرکت و بهبود اعتبار و تصویر شرکت از جمله منافع اصلی حاصل از افشای این اطلاعات می‌باشند. ابراهیمی سروعلیا و جهانشاهی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با بررسی رابطه سرمایه فکری و متغیرهای اثرگذار بر تصمیمات سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ۱۴۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بیان کردند که بین سرمایه فکری و سود هر سهم، همچنین بین سرمایه فکری و ریسک سیستماتیک هر سهم رابطه مثبت و معنادار و بین سرمایه فکری و نسبت قیمت به سود هر سهم رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری

سرمایه‌های فکری، دارایی‌های نامشهودی هستند که ارزش در سازمان‌ها را باعث شده و یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد مزیت رقابتی هستند؛ اما در صورت‌های مالی وجود ندارند. با توجه به با ارزش بودن سرمایه‌های فکری، می‌بایستی این دارایی‌ها را به طور صحیح شناسایی، اندازه‌گیری، مدیریت و کنترل نمود که این کار عیب حسابداری کنونی، یعنی عدم گزارشگری و انعکاس سرمایه‌های فکری در

صورت‌های مالی را تا حدودی کاهش می‌دهد. سرمایه‌های فکری یک سازمان مجموعه‌ای از سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای است. افشا و گزارش سرمایه‌های فکری می‌توانند به صورت گزارش‌های سالانه و حتی در برخی شرکت‌ها به صورت گزارش‌های جداگانه صورت گیرد. مدیریت و کنترل صحیح و همچنین افشا و گزارش سرمایه‌های فکری تأثیر مثبتی بر عملکرد سازمان‌ها داشته و باعث پیشرفت و تقویت رابطه با کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و سایرین خواهد شد. افشا و گزارش سرمایه‌های فکری ارزش آتی سازمان‌ها را افزایش داده و مزیت رقابتی سازمان‌ها را نیز در اقتصاد دانش محور افزایش می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش ارائه دید وسیع‌تری از مفهوم سرمایه فکری است. بنابراین، تلاش شد بررسی جامعی از پژوهش‌های داخلی صورت پذیرد. به همین منظور بیش از ۵۰ پژوهش مورد بررسی قرار گرفت؛ با وجود این؛ عناوین مختلفی وجود دارد که هنوز مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است و به پژوهشگران توصیه می‌شود این عناوین را مورد بررسی قرار دهند؛ از جمله بررسی سرمایه فکری به تفکیک شرکت‌های خدماتی، بازرگانی و تولیدی؛ بررسی سرمایه فکری برای صنایع مختلف. در انتها باید به این موضوع اشاره شود، با این‌که نویسندگان مقاله حاضر تمام تلاش خود را نمودند بررسی جامعی از پژوهش‌های مرتبط با سرمایه فکری در ایران، صورت پذیرد؛ اما به‌طور حتم برخی از پژوهش‌های مرتبط با این مفهوم در ایران انجام شده‌اند که به دلیل عدم امکان دسترسی و سایر محدودیت‌ها در مقاله به آن‌ها اشاره نشده است.

منابع

۱. ابراهیمی سروعلیا، محمدحسن، جهانشاهی، جواد (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه فکری و متغیرهای اثرگذار بر تصمیمات سرمایه گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۹، صص ۸۱-۵۳.
۲. اسدی، غلامحسین، عالم تبریز، اکبر، رضایی، شعیب (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه فکری روی ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها، تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره ۲۰، صص ۵۱-۳۴.
۳. احمدپور، احمد، ملکیان، اسفندیار، زارع بهنمیری، محمدجواد، نادی، زینب (۱۳۹۱). بررسی نقش ساختار هیأت مدیره بر سرمایه فکری شرکت‌ها با رویکرد فازی، مطالعه موردی شرکت‌های داروسازی بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، شماره ۸، صص ۹۳-۷۳.
۴. انواری رستمی، علی اصغر، احمدیان، وحید، میرزاده، سیداصغر (۱۳۹۲). سرمایه فکری، ثروت سهامداران و عملکرد مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۰، صص ۸۳-۱۱۶.
۵. اولی، محمدرضا، حاجی زاده، حسن، سعیدی، مجتبی (۱۳۹۵). رابطه بین سرمایه فکری و بهره‌وری در شرکت‌های دارویی، پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۱، صص ۹۱-۷۳.
۶. بابایی، فاطمه، جهانگیری، حسین (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه فکری بر معیارهای سودآوری، نقدشوندگی و رشد دوره جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۹، صص ۹۰-۶۵.
۷. بنی مهد بهمن، قنبرها، زهره (۱۳۹۰). رابطه بین سرمایه فکری، اندازه شرکت، سوآوری و ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۱۱، صص ۱۸۶-۱۶۳.
۸. تقی زاده، هوشنگ، پورری، میروحید (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر ساختار سرمایه بر سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی، شماره ۲۲، صص ۱۵۰-۱۳۴.
۹. جبارزاده کنگرلویی، سعید، بشیری، علیرضا (۱۳۹۳). مقایسه قدرت توضیحی ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری در تعیین قیمت بازار، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۴، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۱۰. جلیلی، آرزو، همتی، هدی (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، شماره ۱۱، صص ۲۴-۱۳.
۱۱. جنانی، محمدحسین، همت فر، محمد، رحیمی، باقر (۱۳۹۲). رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی و سرمایه فکری با ارزش بازار، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۰، صص ۲۰۲-۱۸۱.
۱۲. چالاک، پری، قادری، بهمن، کفعمی، مهدی (۱۳۹۵). عدم تقارن اطلاعاتی و سرمایه فکری: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۱، صص ۱۱۹-۱۰۰.
۱۳. حجازی، رضوان، رشیدپور، میترا (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۱۲۱-۹۵.
۱۴. حسینی، سیدعلی، سیدی، سیدجلال، اسماعیل زاده، حجت، سروستانی، امیر (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عملکرد شرکت و مالکیت نهادی بر سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۲، صص ۶۹-۵۲.

۱۵. حسنی، محمد، میثاقی، مهری (۱۳۹۳). مطالعه کنش سرمایه فکری در بیان انعطاف‌پذیری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۸۴-۶۷.
۱۶. حیدرپور، فرزانه، فولادی، علی (۱۳۹۳). تأثیر ساختار مالکیت بر ارزش افزوده سرمایه فکری، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱۱، جلد دوم، صص ۹۴-۷۹.
۱۷. حیدری، مهدی، قادری، مهین، کفعمی، مهدی (۱۳۹۴). تبیین رابطه بین نظام راهبری شرکتی و سرمایه فکری از دیدگاه نظریه نمایندگی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری، دانش حسابداری، شماره ۲۲، صص ۱۵۱-۱۳۱.
۱۸. خاوندکار، جلیل، خاوندکار، احسان، متقی، افشین (۱۳۸۸). سرمایه فکری: مدیریت توسعه و مدل‌های سنجش، چاپ دوم، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
۱۹. دارابی، رویا (۱۳۹۱). تأثیر افشای اجزای سرمایه فکری بر کیفیت گزارشگری مالی، دانش سرمایه‌گذاری، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۳۱.
۲۰. دارابی، رویا، کامران‌راد، صدیقه، سیدجراحی، حمید (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه فکری بر نسبت کیوتوین (Q) شرکت‌های داروسازی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۱۸، صص ۱۹۵-۱۷۵.
۲۱. دستگیر، محسن، محمدی، کامران (۱۳۸۸). سرمایه فکری، گنج تمام‌نشدنی سازمان، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۱۴، صص ۳۲-۲۸.
۲۲. دستگیر، محسن، عرب صالحی، مهدی، امین جعفری، راضیه، اخلاقی، حسنعلی (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۱، صص ۳۶-۱.
۲۳. دیانتي، دیلمی، زهرا (۱۳۹۱). تأثیر سرمایه فکری بر حسابداری مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، شماره ۱۴، صص ۹۹-۸۵.
۲۴. دیانتي، دیلمی، زهرا، رضانی، مریم (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه فکری بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۱۸، صص ۴۷-۳۱.
۲۵. دهقان هراتی، شهین، فاضل‌یزدی، علی، جباری، حسین، اسدپور، احمدعلی (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فکری هیأت مدیره با ارزش و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، شماره ۱۷، صص ۴۴-۲۹.
۲۶. رحمانی، علی، عارف‌منش، زهره (۱۳۹۱). اندازه‌گیری سرمایه فکری و رابطه آن با هزینه حقوق صاحبان سهام، پژوهش‌های حسابداری، شماره ۶، صص ۱۷-۱.
۲۷. رضایی، عماد، عباسی، ابراهیم (۱۳۹۵). تأثیر سرمایه فکری بر نسبت ارزش افزوده اقتصادی به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده بازار به سود حسابداری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۱، صص ۱۴۴-۱۲۷.
۲۸. رضایی، فرزین، همتی، حسن، کارگرشاملو، بهرام (۱۳۸۹). سرمایه فکری و عملکرد مبتنی بر ارزش و سرمایه فکری، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۷، صص ۷۰-۵۲.
۲۹. رهنمای رودپشتی، فریدون، همتی، هدی (۱۳۸۸). سنجش ارتباط بین سرمایه فکری با متغیرهای نوین سنجش عملکرد مبتنی بر ارزش آفرینی، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۱.
۳۰. زاهدی، سیدمحمد، لطفی‌زاده، فرشته (۱۳۸۶). ابعاد و مدل‌های اندازه‌گیری سرمایه فکری، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۵۵، صص ۶۴-۳۹.

۳۱. سرلک، نرگس، قنبری، علی محمد، حیدری، زهرا (۱۳۹۴). رتبه‌بندی شرکت‌های برتر از جایگاه سرمایه فکری و مقایسه آن با رتبه‌بندی مطابق شاخص‌های بورس، دانش سرمایه‌گذاری، شماره ۱۴، صص ۴۶-۲۹.
۳۲. ستایش، محمد حسین و کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۸۸)، روش‌های اندازه‌گیری و گزارشگری خارجی سرمایه فکری، ماهنامه حسابدار، شماره ۲۰۷، ص ۵۸.
۳۳. ستایش محمدحسین، کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۱، صص ۹۴-۶۹.
۳۴. ستایش، محمدحسین، دهداری، الیاس، نمازی، نویدرضا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی اجزای سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی، شماره ۱۰، صص ۸۶-۶۲.
۳۵. ستایش، محمدحسین، کاشانی‌پور، فرهاد (۱۳۹۱). تأثیر اجزای سرمایه فکری در تعیین عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۶، صص ۲۱-۱.
۳۶. سینایی، حسنعلی، رنگباری خینی، محمود (۱۳۹۳). بررسی اثرهای ارزش افزوده اقتصادی بر قیمت بازار سهام شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۹۸-۸۵.
۳۷. طالب‌نیا، قدرت‌الله، خان‌حسینی، داود، معزملقاسم، الهه، نیکونستی، محمد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه فکری بر ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های صنعت سیمان پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۵، صص ۶۶-۵۱.
۳۸. عارف‌منش، زهره، زارع، حبیب (۱۳۹۰). انگیزه سرمایه فکری و بررسی ارتباط آن با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، شماره ۳، صص ۹۳-۷۳.
۳۹. عباسی، ابراهیم، گلیدی‌صدقی امان (۱۳۸۹). بررسی تأثیر کارایی عناصر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۰، صص ۷۴-۵۷.
۴۰. علوی‌طبری، سیدحسین، عباس تفرشی، زهره (۱۳۹۲). تأثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۳۳-۱۸.
۴۱. فاضل یزدی، علی، تقی‌زاده مهرجردی، روح‌الله، طحاری مهرجردی، محمدحسین (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی در پیش‌بینی کارایی سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره ۱۶، صص ۱۵۳-۱۲۷.
۴۲. قلیچ‌لی، بهروز، مشیکی، اصغر (۱۳۸۵). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری در سازمان: مطالعه دو شرکت خودروسازی، دانش مدیریت، شماره ۷۵، صص ۱۴۷-۱۲۵.
۴۳. مجتهدزاده، ویدا، علوی‌طبری، سیدحسین، مهدی‌زاده، مهرانز (۱۳۸۹). رابطه سرمایه فکری (انسانی، مشتری، ساختاری) و عملکرد صنعت بیمه (از دیدگاه مدیران)، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۰، صص ۱۱۹-۱۰۹.
۴۴. محمودآبادی، حمید، رضایی، غلامرضا، گرگانی فیروزجاه، ابوالفضل (۱۳۹۲). بررسی آثار سرمایه فکری در بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۲، صص ۹۹-۷۵.
۴۵. مرادزاده‌فر، مهدی، عدیلی، مجتبی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۴۱.

۴۶. مشایخی، بیتا، سیدی، سیدجلال، زرگران یزد، هستی (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۲۷۰-۲۵۱.

۴۷. نمازی، محمد، ابراهیمی، شهلا (۱۳۹۰). بررسی تجربی نقش اجزای سرمایه فکری در ارزیابی عملیات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۲، صص ۱۹۷-۱۶۳.

۴۸. نمازی، محمد، قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه فکری و اجزای آن با خطر ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱۱، صص ۱۴۱-۱۱۵.

۴۹. نیکبخت، محمدرضا، اسکندری، قربان (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سرمایه فکری، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و نقدشوندگی سهام، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دور ۲۲، شماره ۴، صص ۵۶۰-۵۴۱.

۵۰. نیکبخت، محمدرضا، یزدانین، عالمه، جمالی، الهام (۱۳۹۵). تحلیل هزینه-منفعت افشای سرمایه فکری از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حسابداری، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۸، صص ۱۰۴-۹۵.

۵۱. نیکومرام، هاشم، یاری، مهدی (۱۳۸۷). ارتباط بین سرمایه فکری با بازده سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۲، صص ۸۹-۶۵.

۵۲. نیکومرام، هاشم، اسحق، فاطمه (۱۳۸۹). رابطه بین تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های ارزشی و رشدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۶، صص ۱۶۳-۱۳۳.

۵۳. نیکومرام، هاشم، رهنمای رودپشتی، فریدون، همتی، هدی (۱۳۹۲). مقایسه عملکرد پرتفوی انتخابی براساس مدل‌های حسابداری سرمایه فکری با استفاده از مدل تحلیل شبکه با مدل‌های سنتی و نوین شبکه، حسابداری مدیریت، شماره ۱۹، صص ۱۰۰-۷۹.

۵۴. همتی، حسن، معین‌الدین، محمود، مظفری، مریم (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های غیرمالی، حسابداری مالی، شماره ۷، صص ۴۸-۲۳.

۵۵. همتی، حسن، مهرابی، امین (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و بازده مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰.

۵۶. همتی، هدی، جلیلی، آرزو (۱۳۹۳). بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۱، صص ۱۳۷-۱۱۶.

۵۷. یحیی‌زاده‌فر، محمود، آقاچانی، حسنعلی، یحیی‌تبار، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، شماره ۱، صص ۱۹۹-۱۸۱.

58. Bart, c.k. (2001). measuring the mission Effect in Human intellectual capital, Journal of intellectual capital, vol.2, n.3, pp.320-330.

59. Beattie, Vivien & Sarah Jane Smith. (2010). Human Capital, value Creation and disclosure. Journal of Human Resource Costing & Accounting, Vol.14, Iss.4, pp.262-285.

60. Bontis, N. (1998). Intellectual capital: an exploratory study that develops measures and models. Managing Decision, Vol.36, No.2, pp.63-76.

61. Bontis, keow, w, c, c. and Richardson, s (2004), intellectual capital and business performance in Malaysian industries, journal of intellectual capital, vol.1, n.1, pp.85-700.

62. Bozbura, f. tunc (2004). Measurment and application of intellectual capital in turkey. The learning organization, vol.11, n.4/5, pp.357-367.

63. Brooking, a (1996). Core Asset for the Third Millennium Enterprises. International Thomson Business press, London, Vol.8, N.12, pp.12-16.
64. Castro, gregorio martin de pedrolopzsaez and jose Emilio navaslopez. (2004). the role of corporate reputation in developing relational capital, Journal of intellectual capital, vol.5, n.4, pp.575-585.
65. chen, j. zhu, z. and xie, y, h. (2004), measuring intellectual capital: a new model and empirical study, journal of intellectual capital, vol.5 n.1, pp.85-100.
66. Edvinsson, I and Malone, m. s. (1991). intellectual capital: realizing your company's true value by finding its hidden brainpower. new york: harper business.
67. Edvinsson, I, M and s. Malone. (1997). Developing a model of managing Intellectual Capital, European management journal, vol.4, n.3, pp.356-364.
68. Engstrom, t. j. westnes, p and westnes, s. f. (2003). intellectual capital in the hotel industry, journal of intellectual capital, vol.12, n.3, pp.287-303.
69. Klein, D. A. and Prusak, L. (1994). Characterizing Intellectual capital, center for Business Innovation, Ernst & Young LLP working paper
70. Marr, b., gray, d. and neely, a. (2003). why do firms measure their ic? Journal of intellectual capital, vol.4, n.4, pp.441-464.
71. Marr, b. (2008). impacting future value: how to manage your intellectual capital, published by the society of management accountants of Canada, the American institute of certified public accountants and the chartered institute of management accountants
72. Pablos, patricia Ordonez de. (2003). Intellectual capital reporting in Spain: a comparative view, journal of intellectual capital, vol.4, n.1, pp.61-81.
73. Pablos, patricia Ordonez de. (2004). Measuring and reporting structural capital. Journal of intellectual capital, vol.5, n.4, pp.626-647.
74. Roos, g. edvinsson, I. roos, j. and draganetti, n. c. (1997). Intellectual capital: navigating the new business landscape, macmillan, London.
75. Stewart, T. A. (1997). Intellectual capital: the new wealth of organizations, nicholas brealey, London.